



نیازهای عمیق ما

به نیازهای علمی و تربیتی آنان است و ثانیاً مخاطبان باید از بهره‌مندی جایگاه و محضر معلم همواره احساس سرور و لذت روحی و معنوی داشته باشند. شاید بتوان گفت، یکی از رسالت‌های مهم و مبنایی هر معلم و مربی برای تعلیم و تربیت، آگاه‌سازی افراد به نیازهای واقعی خویش و سپس راهنمایی و راهبری آن‌ها به سوی پاسخ‌های صحیح است.

نگاهی از زاویه‌ای دیگر به این موضوع نشان می‌دهد، تمامی افراد، گروه‌ها، نهادها یا به عبارت دیگر پدیده‌های مادی یا معنوی که در جذب مخاطب می‌کوشند، تلاش می‌کنند خود را پاسخگو یا رفع‌کننده نیازی مهم معرفی کنند. بعضی صنف‌های اجتماعی، متولی رفع نیازهایی مانند خوراک، پوشاک، مسکن و بهداشت هستند. حال اگر از ما به عنوان معلم سؤال شود اصلی‌ترین

عین رفع نیاز، چه اندازه لذت‌بخش است. همه انسان‌ها قسمتی از فعالیت‌های روزانه خود را صرف دستیابی به غذا می‌کنند و به علت نیاز بدیهی و اساسی بشر به غذا، این پدیده هیچ‌گاه کنار گذاشته نمی‌شود. اما انسان‌ها از بین انواع غذاهای موجود و ممکن که سالم و مفید تشخیص می‌دهند، گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که برایشان لذت‌بخش نیز باشد. در عین حال، همگی می‌دانیم که انسان، هم در تشخیص صحیح نیاز و هم در شناسایی پاسخ‌های مفید، ممکن است دچار اشتباه و نارسایی شود.

ما همواره از قاعدهٔ بالا برای تدریس یا گفت‌وگو در فرایندهای تعلیم و تربیت استفاده می‌کنیم. باید یادمان باشد، اولاً جایگاه خود ما معلمان در زندگی شاگردان و جامعه، مشمول همین ضابطه است و منزلت ما نزد آنان در گرو پاسخ‌گویی

دربارهٔ اینکه مهم‌ترین نیازهای بشر کدام‌اند و چگونه برآورده می‌شوند؛ دیدگاه‌ها و نظرات متعدد و متفاوتی ارائه شده‌اند. برخی این نیازها را به غریزی و فطری تقسیم می‌کنند و بعضی دیگر به نیازهای ضروری برای بقا (زنده ماندن) و نیازهای فراتر از زنده ماندن اشاره می‌کنند. وجه مشترک همهٔ دسته‌بندی‌ها این است که بدانیم تمام زندگی بشر، به هر شکل که باشد، صرف برآوردن این نیازها می‌شود. در اساس راز ماندگاری پدیده‌ها، چه مادی و چه معنوی، در زندگی بشر را با دو ضابطه می‌توان تبیین و تحلیل کرد. نخست آنکه پدیده مورد نظر چقدر پاسخ‌گوی نیازهای فرد یا جامعه است و البته به هر میزان که نیاز مذکور مهم‌تر باشد و این رفع نیاز منحصر به فرد باشد، آن پدیده جایگاه مهم‌تر و ماندگارتری خواهد یافت و سپس آنکه پدیده مورد نظر، در

نیازی که معلم و مربی یا به‌طور کلی نظام تعلیم و تربیت رفع می‌کند کدام است، بهترین پاسخ چه می‌تواند باشد؟ خواندن، نوشتن، آگاه شدن، ماهر شدن، اجتماعی شدن یا بسیاری عنوان‌های دیگر ممکن است هر یک در سطحی پاسخ‌های پیشنهادی به چنین سؤالی باشند، اما به نظر بعضی از متفکران برجسته این عرصه، سنگ بنای تربیت و مهم‌ترین نیاز بشر برای زندگی شایسته انسانی، که به پشتوانه آن می‌تواند به‌طور عمومی و ماندگار در پی برآوردن سایر نیازهای خود نیز باشد، احساس عزت و کرامت نفس است. فرد، خانواده یا جامعه‌ای که در نهایت رفاه و آرامش زندگی کند، اما عزیز و دارای کرامت نباشد، خود را مانند برده‌ای می‌بیند که لباس‌های زیبا پوشیده و غذای مفصل خورده است، اما اگر خود را عزیز و دارای کرامت بداند، حتی اگر در برهه‌ای از زمان دچار سختی‌ها و مشکلاتی باشد، انگیزه و توان رفع و حل آن‌ها را نیز خواهد داشت. نکته ظریفی در این موضوع نهفته است و آن اینکه بسیاری از مردم و شاید حتی خود ما، گاهی نیازها و رفع نیازهای آشکار و ظاهری را بیشتر متوجه می‌شویم و مدنظر داریم. به همین علت، از اثر شگفت‌انگیز نیازهای عمیق و ماندگاری مانند کرامت، عزت نفس، هویت مستقل و شرافتمند، و آزادی غافل می‌شویم و در نتیجه قدرشناسی و سپاس‌گذاری شایسته‌ای صورت نمی‌گیرد. در منابع اصیل اسلامی و گنجینه گران سنگ آیات و روایات نیز، در عین اینکه خداوند متعال همه نعمت‌ها را از خود معرفی می‌فرماید و انسان را به آن‌ها متوجه می‌کند، اما هیچ‌گاه مواهب مادی و برآوردن نیازهای اولیه انسان را مایه مباهات و منت خود بر بندگان نمی‌شمارد، بلکه کرامت‌دهی به انسان^۱ و برانگیختن پیامبرانی از جنس خودش را برای راهنمایی و راهبری او^۲، از مصداق‌های منت الهی عنوان می‌فرماید. البته بدیهی است که این منت‌گذاری نیز به سود خود انسان و برای دقت و فهم

بیشتر اوست، چرا که:

گر جمله کائنات کافر گردند

بر دامن کبریا نشینند گرد

شاید اکنون یکی از حکمت‌هایی که خداوند متعال ابتدا خود^۳ و سپس پیامبران^۴ را معلم معرفی فرموده است، قدری روشن‌تر شده باشد! و شاید اینکه چرا انسان‌ها حتی در بین هدیه‌ها و نعمت‌های الهی بیش از نعمت‌های عظیمی مانند ارسال پیامبران و کتاب‌های هدایتگر آنان، به نعمت‌های مادی مانند آب و غذا توجه دارند، قابل تأمل‌تر شده باشد. بیایید به یکی از مصداق‌های بزرگ این موضوع بیندیشیم. همکاران گرامی این نوشته را در بهمن‌ماه دریافت می‌فرمایند. بهمن ماه برای ما ایرانی‌ها، از هر صنف و گروه که باشیم، یادآور واقعه‌ای عظیم و غیرقابل چشم‌پوشی است. انقلاب اسلامی مردم ایران به صدها علت برای دوستان و دشمنان خود پدیده‌ای اثرگذار و منحصر به فرد بوده و هست. تأمل در ابعاد گسترده آن برای عالم و عامی سودمند و درس‌آموز است و در این مختصر نمی‌گنجد. اما اگر دانش‌آموزان از ما به‌عنوان معلمان و مربیان‌شان برسند انقلاب اسلامی برای ما چه ارمانی داشته است، بنده متناسب با سن، جنس و سطح دریافتی که از او سراغ دارم، نکاتی خواهم گفت. اما اگر مقدمات فکری و توان لازم را در وی بیابم، به‌طور قطع از بین فهرست انبوه موهبت‌ها و نعمت‌های مادی و معنوی که انقلاب اسلامی برای همه مخاطبان خود، اعم از دوست یا دشمن و مردم ایران یا غیرایرانی، داشته است، این‌گونه شروع می‌کنم که: «روزی روزگاری ما مردم ایران، در حالی که از کهن‌ترین ساکنان متمدن روی زمین بودیم و به شریف‌ترین و کامل‌ترین دین الهی مفتخر بودیم و درون و بیرون زندگی‌مان پر بود از سرمایه‌ها و فرصت‌های مادی و معنوی که خداوند به ما ارزانی داشته بود، دچار ام‌الفساد و مایه اصلی تمام بدبختی‌ها و ناکامی‌ها شده بودیم. ام‌الفسادی که چنان در زندگی ما

ریشه دوانده بود که توانگر و ناتوان، عالم و عامی، و زن و مرد ما را ذلیل و خوار کرده بود. ما مردم در مقابل رؤسای جامعه و رؤسای ما در برابر بیگانگان، آن‌قدر زبون و تحقیر شده بودیم که اختیار برنامه‌ریزی برای فرصت و سرمایه و فرزندان خود را نداشتیم. این بی‌عزت و بی‌اختیاری تا آنجا پیش رفته بود که چهار پادشاه آخر این کشور همگی یا به‌وسیله بیگانگان روی کار آمدند یا در پایان کارشان از ترس و بدبینی به مردم خود، به بیگانگان پناهنده شدند و در بیرون از مملکت خود مردند. جامعه‌ای با چند هزار سال سابقه تمدنی و چند قرن سابقه درخشان اسلامی، آن‌قدر بی‌حرمت و بی‌کرامت شده بود که حتی اجازه محاکمه بدترین مجرمان خارجی را که در این کشور مرتکب جنایت شده بودند، نداشت. آنگاه به دانش‌آموزانم خواهم گفت، یک مرجع عالی‌قدر به‌عنوان نایب امام زمانمان، و با همراهی آگاهانه و خودجوش مردم، انقلابی را به‌وجود آورد که از بین هزاران موهبتش، شاید مهم‌ترین ارمانش راهنمایی ما به تربیت و کمال‌خواهی و عزت‌طلبی و کرامت نفس است. به آن‌ها خواهم گفت، خوب یا بد، بیش از چهل سال است که خودمان انتخاب می‌کنیم و خودمان برنامه‌ریزی می‌کنیم. بیش از چهل سال است که مستقل و آزادیم. بیش از چهل سال است که در برابر بدترین دشمنانمان ایستاده‌ایم و مقاومت و درگیری را از درون خانه‌مان به بیرون مرزها برده‌ایم و در نهایت به آن‌ها خواهم گفت، از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب، تربیت فرزندانی همچون شهید والامقام **قاسم سلیمانی** است که نماد عزت و کرامت، نه فقط برای ایرانیان، بلکه برای تمام آزادی‌خواهان عالم از مسلمان و غیرمسلمان هستند. والسلام ■

پی‌نوشت‌ها

۱. اسراء، آیه ۷۰.

۲. آل عمران، آیه ۱۶۴.

۳. علق، آیات ۴ و ۵.

۴. جمعه، آیه ۲.